

نابود باد جنگ؛ مرگ بر خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴ ساله
شماره ۲۷ - شهریور ۶۵

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

نبرد خلق در آغاز سال سوم

۲ سال از انتشار دوره چهارم نبرد خلق که در یکی از سخت ترین دوران حیات پر افتخار سازمان پیششار فدایی منتشر میشود ، میگذرد . نبرد خلق در شرایطی دوره چهارم انتشار خود را آغاز کرد که جریان پیششار فدایی و خط اصولی و انقلابی مارکسیستی - لنینیستی با اعلام برنامه (هویت) سچفخا ، بیک تعرض ایدئولوژیک - سیاسی علیه جریانات انحرافی درون نیروهای مدعی کمونیسم برای غلبه بر بحران درون جنبش کمونیستی ، دست زده بود . در حیات سازمان ما ، مسلما دوره ۲ ساله اخیر نقش برجسته ای دارد که نبرد خلق سیمایی از فعالیت سیاسی و عملی آنرا به نمایش میگذارد . بدون شک در بین نشریات نیروهای مدعی کمونیسم نبرد خلق ، تنها نشریه ای بود که چهره ای ثابت قلم و استوار از پایداری بر خط انقلابی از خود نشان داد . نبرد خلق توانست در جهت گمانناپذیر کردن نیروهای اصولی فدایی در مبارزه مسلحانه علیه رژیم خمینی نقش ارزنده ای ایفا کند . مقالات نبرد خلق در افشاء سیاستهای سرکوبگرانه و جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی و در دفاع از صلح و آزادی تاثیر قابل توجهی در جنبش انقلابی مردم ایران بر جای گذاشت . در این رابطه بویژه مقالات نبرد خلق در افشاء سیاست جنگ افروزان و فساد مصلی و ضد مردمی رژیم خمینی ، تا آنجا که نبرد خلق بخش می دهد ، نقش بسزایی ایفا نموده . نبرد خلق خوانندگان خود را در جریان بیمنتی از مهمترین مسائل بین المللی که بنحوی نقش آفریننده برای انقلاب ایران دارد قرار داد . نبرد خلق بطور مداوم سیاست رفرمیستی و خائشانه جریان استحاله گر را افشاء و بر تحول انقلابی تاکید بسزایی می نمود . نبرد خلق در افشاء یکی از مهمترین نمایندگان تفکر سکتاریستی در بین نیروهای مدعی

پیشمرگان فدایی - پیرو برنامه (هویت)
پایگاه یوده رشن را مورد حمله خود قرار دادند
میانیه سازمان چریکهای فدایی خلق
ایران پیرو برنامه - (هویت)
در صفحه ۶

مردم ایران، در سالگرد جنگ ارتجاعی برای سرنگونی رژیم خمینی و تحقق صلح و آزادی بیا خیزید

ایران می سوخته اند ، اکنون که به این هدف اولیه خود دست یافته اند ، در صد گسترش حوزه حکومت خود بر تمامی کشورهایی هستند که ساکنین آن سلمان هستند . خمینی که همه چیز را با " اسلام " و " ضد اسلام " می سجد ، واقعا بفکر ایجاد پلاک امپراطوری اسلامی " با ولایت خود می باشد . کفایت به تعداد مسلمانان کشورهای همجوار و خاورمیانه نظیری افکنیم تا عمق آرزوهای ارتجاعی خمینی را دریابیم . از ۱۰۰ میلیون جمعیت پاکستان ۹۷ میلیون ، از ۷۰۰ میلیون جمعیت هند ۸۰ میلیون آن ، سلمان هستند و نیز کشورهای کویت ، عراق ، عمان ، امارات متحده عربی ، قطر ، بحرین و عربستان سعودی مجموعا ۳۰ میلیون جمعیت دارند که بیش از ۲۹ میلیون آن و تقریبا تمامی جمعیت ۱۷ میلیونی افغانستان مسلمان هستند ، به اضافه بخش قابل توجهی از ۹ میلیون جمعیت جمهوریهای آسیای اتحاد شوروی و تیر اکثریت جمعیت ۴۰ میلیونی بخش آسیای ترکیه را مسلمانان تشکیل می دهند . با در نظر گرفتن جمعیت کشورهای سوریه ، مصر ، لیبی ، لبنان ، اندونزی و ۳۰۰۰ روستن میشود که وسوسه حکومت سر پلاک میلیارد انسان ، برای خمینی که واقعا جهان

۶ سال از جنگ ارتجاعی و خانمانسوز ایران و عراق ، جنگی که برای مردم مبین ما جز فقر و سیه روزی ، جز گشتار و سهر رفتن منابع ملی و انسانی چیزی با رمانان نیارده است میگذرد . اگر در ابتدای جنگ پیرامون نقش رژیم خمینی و سیاست پان اسلامیتی - اش درک روشنی وجود صداقت ، اکنون مذتهبات که برای همگان روشن است که رژیم ضد خلقی حاکم بر ایران خواهان ادامه این جنگ است ، خود سران رژیم بارها بر سیاست " صدور ارتجاع " که خود آنرا صدور " انقلاب اسلامی " می نامند تاکید می کنند و این جنگ را " رحمت " و بارها از " برکت " جنگ صحبت می کنند . واقعیت اینست که این جنگ خانمانسوز برای سران جمهوری اسلامی واقعا " رحمت " و " برکت " بهرمان داشته است . کفایت از تجارت به جبهه زداید در نظر گیریم که دو رگ اساسی " انقلاب اسلامی " یعنی روحانیت و سازا چه منافع کللی در حفظ وضع موجود دارند . ۸۰۰ میلیارد ریال سود خالص تجار که سلیمان خلقی وابسته به رژیم هستند ، " برکت " و " رحمت " جنگ و سرکوب برای سران رژیم خمینی است . بمسلواه خمینی و دارودسته او که سالها در عیش حکومت سر

گزارشی از روحيات توده ها
در صفحه ۸

دانیل اورتکا به ریکان پیشنهاد مذاکره
پیرامون صلح می کند.
در صفحه ۷

ما خواستار عدالت نیستیم
ترجمه ای از روزنامه گراندا در مورد صلیبی
در صفحه ۷

مسئول این جنایت کیست؟
در صفحه ۵

پرهورد ارتجاع به سهاله زن

رفسنجانی جنایتکار طی سخنرانی خود در نماز جمعه روز ۶۵/۶/۸ تمامی افکار پوسیده و ارتجاعی خود را پیرامون سهاله پوشش زنان به نمایش گذاشت . وی تمامی لجنزار دروسی خود را با لا آورد و آنگونه بست به سهاله پوشش زنان با آب و تاب صحبت کرد که قبل از آنکه بیان کننده فحشیتی باشد ، نشان دهنده فضاقت و رسوایی سران رژیم خمینی بود . انبیشه های پوسیده و سادون ارتجاعی رفسنجانی گواهی بر ماهیت عمیق ارتجاعی این رژیم قرون وسطایی است . وی پیرامون بد حجایی گفت : " برای خانمها ممکن است که این حدی را که من الان گفتم رعایت نکنند ، شلوار بپوشند ، آستین دار هم بپوشند ولی کیفیت لباس طوری باشد که زنده باشد ، و خود کیفیت لباس

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

مردم ایران ... بقیه از صفحه ۱

وطنی " فکر می‌کند ، او را ترغیب به هر تجاوزی به حقوق خلقهای کشورهای منطقه می‌نماید ، خمینی بنا بر یک سلسله دلائل متعدد ، عراق را هدف اول خود انتخاب نمود و از ابتدای حکومتش حساب زیسادی روی مسلمانان عراق و بویژه شیعیان آن باز نماند ، گر چه خمینی عراق را برای اولین هدف خود انتخاب نموده و تبلیغات خود را روی آن متمرکز و هر چند گاه عملیات ایدئولوژیک علیه نیروهای مرزی عراق انجام می‌داد ، اما وی در مقطع آغاز جنگ ، هنوز مایل به شروع جنگ نبود ، دولت عراق بر اساس ارزیابیهای نادرست جنگ را آغاز و این سپاه خوبی به دست رژیم خمینی داد ، گر چه عراق به زودی خواستار صلح شد ، اما تا عقب نشینی کامل نیروهای عراق به مرزهای بین المللی ، هنوز اینکه خمینی واقعا خواستار ادامه جنگ است بر بسیاری روشن نبود ، حکومت ولایت فقیه خمینی از یک تئوری بسیار روشن پیروی میکند - این حکومت برای اینکه بوسیله بحران وسیع داخلی خفه نشود ایجاد بحران و بوسیله صدور بحران ایجاد تنش بیناعباد خمینی هم بحران را می‌خواهد و هم نمی‌خواهد تا از طریق بحران اجتماعی داخلی نابود شود و بنا بر این حکومت بحران بسیار بحران به جنگ بحران می‌رود ، بدین ترتیب رژیم چپیل و ارتجاع مردم را به گوشت دم توب خود تبدیل کرده و هر دم بر تنور جنگ می‌دمد و آتش آنرا باخاطرسر " برکات " و " رحمتش " برای خود و مزارش برای مردم همیشه گرم نگه میدارد ، جوانان کشور ما را به قتلگاه جیبها گسیل می‌دارد ، درآمد ناشی از نفت را صرف خرید اسلحه می‌نماید و شهرها و روستاهای ویران شده را بحال خود رها می‌کند ، تا " اسلام " زیر پایدار بماند و به تبع آن امپریالیسم جهانی و رژیم صهیونیستی اسرائیل منافع کلانی را بحیث بزتنند ، وقتی اسحاق شامیر از گرم شدن رابطه فرانسه با رژیم خمینی اظهار شادمانی می‌کند ، وقتی اسرائیل از اینکه " جبهه " شرقی اش اعراب را سرگرم نموده است اظهار شادمانی می‌کند ، وقتی اسرائیل در فضایی که از جنگ ایران و عراق در خاورمیانه بوجود آمده ، به لبنان تجاوز می‌کند ، و در ۸ مهر سال قبل به مقر صاف در تونس حمله می‌کند ، وقتی رنگان سا توجه به اوضاع بحرانی منطقه به لیبی تجاوز نظامی می‌نماید و شیمون پرز از این اقدام امریکا ستایش و دولت تاجیر از این اقدام تجاوزگرانه تقدیر می‌کند ، وقتی اریون شارون فروش اسلحه اسرائیل به ایران را تایید می‌کند و مجله اشترن چندی قبل معاملات تسلیحاتی رژیم خمینی و اسرائیل را فاش ساخت ، و صدها نمونه‌های دیگر از این نوع ، معلوم میشود که این جنگ برای چه کسانی " رحمت " و " برکت " است رژیم خمینی با ادامه این جنگ عملا بیشترین خدمت را به امپریالیسم و صهیونیسم نموده است ، در سال گذشته فلیر غم خواست مردم ایران برای صلح و صلح و صلح تلاشی وسیع بین المللی برای خاتمه جنگ سران

رژیم خمینی بر سیاست جنگ افروزان خود باز هم بافتاری نمودند ، در ۲ مهر سال قبل فرمانده کسبل سپاه پاسداران خمینی در مراسم صبحگاه مشترک اعضای ستاد مرکزی منطقه بک تارالله و وزارت سپاه گفت " هرگز دست بسمت با دشمنان اسلام نخواهیم داد " و از ابتدای سال جدید و پس از اشغال قسار توسط نیروهای نظامی رژیم زمره‌هایی مننی بسر اینکه امسال سال خانمه جنگ است بگوش میرسید تا اینکه رفسنجانی از قول خمینی صریحا به این مسأله اشاره نمود ، وی گفت " امام پیش بینی کرده‌اند که امسال سال پیروزی است " (کپهان رژیم ۶۵/۳/۲۷) اما پس از چندی که ما بن بست سیخ نیرو و مخالفت های وسیع روبرو شد این حرف را پس گرفت و اسلام نمود که ما نکتتم حمله آینده ، آخرین حمله است ، بلکه گفته‌ایم که حمله بسیار مهمی خواهد بود ، سران رژیم برای فشار بر مردم هر یک بخوی جنگ و دندان نشان می‌دهند ، رفسنجانی جنایتکار در خرداد شباه امسال گفت " ما از ماه گذشته جذب نیروهای نظام وظیفه خود را بیش از دو برابر کردیم ، بعلاوه شورای عالی دفاع تصویب کرد که همین تمسدا د سربازانی که الان موجود هستند و خدمت می‌کنند ، طبق قانونی که داریم و حق شورای عالی دفاع است ، در ماه بر خدمتشان افزوده شود و در جبهه بمانند ، سه مراکز دولتی و سپاهها دستور داده شده با دستسور داده خواهد شد که همه امکاناتشان را در خدمت تجهیز این گردانهای جدید که مرحله اول کار ما است تا شهریور قرار دهند و هر امکانی را که می‌توان از کار معمولی خودش ولو با تعطیل کردن بوقت کار از قبیل امکانات انسانی و ... در اختیار این حرکت جدید قرار بدهند ، فرمان امام است هم به کلیه این مسائل روح می‌دهد ، تکلیفیت که امام فرمودند و استثنا هم ندارد " (کپهان رژیم ۶۵/۳/۱۲) در بهماه سال گذشته مجلس ارتجاع لایحه مجازات مشمولان غایب نظام وظیفه ، که تعدادشان به دهها هزار میرسد را تصویب نمود ، ماده ۴ این قانون ضد بشری چنین می‌گوید : " کسانی که بسخوی مشمولین غایب را در مؤسسات غیر دولتی از قبیل کارخانه ، کارگاه ، بنگاه ، مغازه بکار گیرند ، توسط نیروها مذکور در ماده بک این قانون شناسایی و به محاکم صالحه قضایی معرفی خواهند شد - مجازات اینگونه افراد در زمان صلح سه تا شش ماه و در زمان جنگ بک تا سه سال حبس خواهد بود " (کپهان رژیم - ۶۵/۱۰/۱۲)

در این رابطه سیخ نیرو در سال گذشته " طرح تعیین تکلیف " و نیز ایجاد " شوراهای نظامی روستا " از طرف سران رژیم مطرح و علاوه بر همه آنها فشارهای مستقیم به کارمندان ، دانش آموزان کارگزاران زمان برای روانه کردن آنان به مسلح جنگ الزامات فوق العاده چشمگیری پیدا کرد ، امسال در مقابل ، مردم ایران که عمیقا خواستار صلح هستند با شیوه‌های گوناگون عدم تمایل خود را جهت اعزام به جبهه‌ها ابراز داشته‌اند ، بر خلاف تبلیغات

محافل بین المللی و بعضی جریانهای داخلی ، رژیم همراه با بن بست سیخ نیرو روبروست ، این تبلیغات که گویا رژیم بین ۷۰۰ هزار تا یک میلیون نیرو بسیج کرده است ، معمولاً از طرف کسانی مطرح میشود که با منافع مشخصی در این عراق کویبی داشته و با نسبت به اوضاع رژیم و جامعه در بی خبری محس هستند ، مهمترین عملیات نظامی رژیم در جبهه‌ها یعنی عملیات والفجر ۸ و ۹ و نیز عملیات مربوط به پس گیری مهران با تعدادی کمتر از ۱۵۰ هزار نفر انجام شد ، بعلاوه رژیم مدتهاست که طرح بک حمله دیگر را تدارک می‌بیند ، رفسنجانی برای همراه کردن مردم گفته است که گردانهای کرسلا تا ۱۰۰۰ گردان سازماندهی خواهد شد ، این ادعا آنقدر بوج است که حتی خود دیگر سران رژیم هم از تکرار آن خودداری کردند ، این مسلم است که رژیم به حمله جدیدی دست خواهد زد ، هدف رژیم بر اساس اطلاعاتی که تا کنون دریافت کرده‌ایم (این مقاله در اول شهریور ۶۵ نوشته شده است) ، اشغال بک نقطه در نزدیکی فاو و سپس حرکت از دو جهت بسمت بحر می‌باشد ، علاوه بر آن رژیم در صدد است تا برای خنثی کردن استراتژی " دفاع متحرک و فعال " عراق در جبهه میانی و شمالی دست به تفرقاتی بزند که جنبه فرعی خواهد داشت

اگر نقشه جنگی رژیم بهمین ترتیب باشد ، و در صورتی که رژیم بتواند تمامی نیروهای آموزش دیده خود را به جبهه گسیل دارد ، در بهترین حالت ممکن است چندین تپه و کوه در جبهه شمال و مناطق بسیار محدود در جبهه جنوب اشغال نماید و در بدترین حالت ، همانند حملات قبلی شکست مفتضحانه‌ای بهمره خواهد داشت که باز هم بر تعداد قبرستانها افزوده خواهد شد و بسیاری از خانواده‌های ایرانی داغ‌دار خواهند شد -

در زمینه نظامی مهمترین تغییری که طی سال گذشته بوجود آمد ، بمباران خارک بوسیله نیروی هوایی عراق بود ، با توجه به اینکه ۹۰ درصد مبادرات نفتی ایران از خارک می‌گذشت ، این جزیره برای رژیم خمینی اهمیت استراتژیک داشت ، اما از ۱۵ اوت سال گذشته که حمله هواپیماهای عراقی به خارک آغاز شد و بویژه حملات بعدی ، این جزیره را برای رژیم نا امن نمود ، در اول مهر سال قبل رژیم برای انتقال نفت به جزیره سیری خرید کشتی‌های نفتکش کپسه ظرفیت آنها بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تن است را سه مناقصه گذاشت ، اما درست یکسال بعد ، یعنی در همین روزها که هواپیماهای عراقی به سیری حمله نمودند رژیم را در این رابطه نیز در تنگنا قرار داد ، این ساله بعضاهه یابین آمدن سریع قیمت نفت ، اوضاع اقتصادی رژیم را آنچنان خراب نموده است که همه کسانیکه بسخوی دم از مطلوب بودن وضع اقتصادی رژیم می‌زدند ، مجبور شدند که به بحران بودن وضع اقتصادی رژیم اعتراف کنند ، در زمینه دیپلماسی ، سال گذشته سیاست جنگ افروزان رژیم خمینی ، بکلی منفرد و در صوف سیاست صلح طلبی از پشتیبانی

بقیه در صفحه ۳

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

نبرد خلع ...

بقیه از صفحه ۱

کمونیسم در ایران، یعنی جریان اقلیت نقش تعیین کننده باری نمود، تا جایی که توانست با افشای باند خائن توکل - زهری، مضمون سیاستهای راست و ضد انقلابی آنان را که در زورق "چپ" پیچیده بودند، برای همگان عیان نمود. نبرد خلق در مقابل گرایشات انحرافی "چپ" و راست هیچگاه آتش سر نداد و گر چه این تشریح نقش تئوریک و ترویجی ندارد، اما از نظر سیاسی پیگیرانه این جریانها را افشاء نمود. گر چه این جریانها انحرافی در پی یک سلسله برخوردهای رذیله، از مقابله تئوریک مستقیم با ما خودداری می کردند، اما ما و همگی نیروهایی که بنحوی در جریان جنبش طبقاتی ایران با مواضع مختلف قرار دارند، می دانستند که در هر حمله به نمایندگان جریان فکری ما، در واقع تمامی سازمان ما مورد حمله قرار می گیرد و ... برای مارکسیست - لنینیست های انقلابی ایران هر چه بیشتر روشن می شد که سازمان ما، چه نقش حساسی در جنبش انقلابی ایران بعهده گرفته است و در این میان نبرد خلق با پافشاری بر سرنگونی انقلابی رژیم خمینی، با اعتقاد به قیام سلحشده و مبارزه سلحشده انقلابی برای تدارک قیام، با اعتقاد به فعالیت در درون شورای ملی مقاومت بعنوان تشکیلاتی الثرناقیو رژیم خمینی، علیرقم ضعف ها و کمبود های این تشکیلاتیو، توانست در تشریح مواضع سازمان ما، در تقویت صفوف مبارزاتی ما، در تقویت اتحاد بین ما و سایر نیروهای درون شورای ملی مقاومت و منجمله نیروی محوری آن، نقش بسزایی بقیه در همین صفحه

مردم ایران ...

بقیه از صفحه ۲

وسمی برخوردار شد. فعالیت های شورای ملی مقاومت در زمینه صلح و اقدامات دولت عراق در این رابطه اوضاع بین المللی را شیدا به ضرر رژیم تشدید نمود. علاوه بر دهها قطعنامه که در مجامع بین المللی و کنفرانها و کنفرانسها علیه سیاست جنگ افروزانه خمینی و بسود سیاست صلح طلبانه شورای ملی مقاومت به تصویب رسید، در سال گذشته بیش از ۵۰ هزار شخصیت مهم از کشورهای مختلف جهان با امضاء یک بیانیه از اقدامات صلح طلبانه شورای ملی مقاومت و طرح صلح این شورا و نیز از اقدامات مشول شورای ملی مقاومت آقای سعید رجوی در رابطه با فعالیت برای صلح پشتیبانی نمودند. در دوم اوت امسال، رئیس جمهور عراق آقای مدام حسین طی یک نامه سرگشاده، یک طرح پنج ماده ای برای صلح در جنگ ایران و عراق اعلام نمود که خطوط کلی آن منطبق بر طرح صلح شورای ملی مقاومت می باشد. این طرح پنج ماده ای که مخصوص بر به رسمیت شناختن مرزهای بین المللی بین دو کشور تاکید میشود، با پاسخ منفی رژیم جنگ افروز خمینی روبرو شد و نهایتا نمدار صلح نشان داد که صلح واقعا دست یافتنی است و این رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران است که مانع اصلی تحقق صلح می باشد.

چشم انداز جنگ

مجموعه اوضاع داخلی و بین المللی دو کشور نشان می دهد که پیروزی نظامی برای هیچکدام از طرفین مقدور نیست. در حالی که عراق خواستار صلح است، هیچگونه چشم اندازی برای تحقق صلح از طریق

پیروزی نظامی رژیم خمینی وجود ندارد. زیرا سر فرض شکست عراق در این جنگ و پیروزی نظامی رژیم خمینی، تازه جنگ در ابعاد وسیعتری برای فتنه سوریه، لبنان، کویت، عربستان و ... توسط رژیم خمینی که بیک پیروزی چشمگیر هم دست یافته است، ادامه خواهد یافت. اینرا تمامی کسانیکه بنحوی در این منطقه دخالت دارند می دانند احتمال چنین چشم اندازی اساسا وجود ندارد.

با توجه به اینکه صلح، شکست سیاسی بزرگی برای رژیم خمینی است، و با توجه به اینکه جنگ یکی از پایه های حکومت ارتجاعی ولایت فقیه است، صلح با وجود این رژیم حداقل با وجود شخص خمینی نبر مقدور نیست و تنها یک راه برای صلح شرافتمندانه و عادلانه وجود دارد و انهم سرنگونی رژیم خمینی است. این را بخصوص مردم ایران باید بیش از هر موقع دیگر مورد توجه قرار داده و با مشکل شدن در واحدهای مقاومت و بر محور مبارزه سلحشده انقلابی برای سرنگونی این رژیم نمر و وسطایی و استقرار صلح و آزادی بکوشند. قیام سلحشده تنها چشم انداز محتمل است که نابودی جنگ و استقرار صلح و آزادی را در بر دارد. بنا بر این بکوشیم تا پروسه این قیام را هر چه بیشتر تریخ نماییم و صلح و آزادی را تحقق بخشیم.

برخی ...

بقیه از صفحه ۶

توسط پیشوایان و سفیانت رسیدن اللهه رئیس جمهور شیلی

۱۹۷۰، کشتار مردم فلسطین در اردوگاههای اردن (سپتامبر سیاه) توسط رژیم ملک حسین

۱۹۸۲، کشتار وحشیانه خلق فلسطین در "مسیرا" و "شمالا" بدست عوامل صهیونیسم و ارتجاع خمینی

این کمیوها غلبه خواهیم کرد. ما در سال گذشته امید داشتیم که نبرد خلق بتواند با کیفیت بالاتر از سال اول چه از نظر شکلی و چه از نظر محتسوی منتشر شود. امروز در آغاز سال سوم، می بینم که به بخش مهمی از انتظارات سال قبل خود دست یافته ایم. اکنون نیز آرزو می کنیم که با تسلاش تمامی رفقای فدایی و همکاری صمیمانه انقلابسور و خوانندگان عزیز نبرد خلق بتوانیم در سال آینده یعنی سال سوم انتشار دوره چهارم نبرد خلق، سر نواقص و کمیوهای نبرد خلق، چه در شکل و چه در محتوی غلبه کرده، تا نبرد خلق بتواند نقش هر چه بیشتری در مبارزه سلحشده انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی، نابودی جنگ و استقرار صلح و آزادی ایفاء کند. ما برای پیشرفت کار خود دست تمامی خوانندگان و انقلابسور ایران را می فشاریم و همکاری های آنان در سال گذشته و در سالی که در پیش داریم بسیار گرامی می شمردیم. ما با ایمان به پیروزی راهمان، در مبارزه برای استقلال، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم، در مبارزه برای سیخ کارگران و

بقیه در صفحه ۸

ایفاء کند. با این همه ما می دانیم که هنوز نمرود خلق کمیوها و ضعف های بسیار دارد و از تمامی انرژی هایی که قاعدتا باید در خدمت تقویت نشریه قرار گیرد، بخوبی استفاده نکرده است. اینس ضعف ها و کمیوها که بخش قابل توجه آن معلست کمیوهای امکاناتی ماست، سلما در سال آینده با تلاش بیشتر رفقای سازمان و همکاری پر شمسر آنان و نیز همکاری سایر انقلابسور و خوانندگان مبارز نبرد خلق، با این نشریه، ما بر بسیاری از

ماحه بگذارند و منتظر فرمان حمله باشند. نخست وزیر خائن رژیم نیز در این مراسم گفت: "جنگ باعث ثنویت و تحکیم پایه های "حکومت ارتجاعی انسان شده است. این گزاره گویی های ارتجاعی در شرایطی توسط سران رژیم گفته میشود که مردم میهن ما با تمام وجود خود علیه جنگ بوده و خواستار صلح می باشند. همچنین تلاشهای بین المللی وسیعی برای پایان بخشیدن به جنگ در جریان است.

گزاره گویی های سران رژیم

سران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی همچنان بر طبل جنگ می کوبند تا مردم میهن ما را به گوشت دم توپ خود تبدیل کنند و به اهداف ارتجاعی خود یعنی توسعه طلبی و ایجاد امپراتوری اسلامی دست یابند. خامنه ای جنایتکار در تاریخ ۵/۳/۶۵ در مراسم جمع جمع گفت: "ایران هنوز تمام توان خود را در مقابله با عراق در جنگ نرفتگشها بکار نبرده و هر گاه ایران بخواهد به مقابله به مثل بپردازد بطسور کلی صدورفت را بخطر خواهد انداخت." موسوی خاثن نخست وزیر رژیم نیز در تاریخ ۶/۶/۶۵ گفت: "تمام فعالیتهای دولت کمونی متاثر از جنگ است" وی گفت کوششهای دولت برای تامین ۵۰۰ گگردان جنگی بصورت شعار دولت در آمده است. خمینی جنایتکار نیز در تاریخ ۶/۶/۶۵ بمناسبت عید غدسیر ما رد هر گونه امکان صلح به تبلیغ شعار "جنگ، جنگ" پرداخت. در مبارز جمع روز ۶/۶/۶۵ نیز رفیسجانی جنایتکار بار هم بر سیاستهای جنگ طلبانه و توسعه طلبانه خود تاکید نمود و گفت: الان رزمندگان جیهها باید انگشت خود را روی

اخبار کوتاه

بر اساس گزارش مندرج در واخنگشت بست ، چین طی ماه گذشته بصورت بزرگترین منبع تامین اسلحه ایران در آمده است و طی این مدت مقادیری موشک و تسلیحات دیگر به ارزش دست کم ۳۰۰ میلیون دلار به ایران تحویل داده است .

راندیون حزب دمکرات کردستان ایران در برنامه سه روز ۴ شهریور ۶۵ خود خبر زیر را پخش نمود که متن کامل آنرا به اطلاع خوانندگان نبرد خلیج میرسانیم :

ساعت ۱۱ روز ۲۷ مرداد سه تن از فرماندهان ژاندارمری منطقه بانه به اسامی سرگرد رزم آرا ، سرگرد انصاری و سرگرد حاجی احمدی در روستای شووی واقع در منطقه میدانان بانه به خانه فردی بنام ابراهیم ابراهیمی رفتند . هنگامی که فرماندهان پایگاه شووی که پاسداری است بنام افشار از رفتن این افراد به خانه ابراهیم اطلاع حاصل کرد به این سببانه که نام بردگان به نوشیدن مشروب مشغولند با عدهای از افرادی که به خانه شخص مذکور تیراندازی کردند در نتیجه سرگرد حاجی احمدی و سرگرد انصاری مجروح شدند . فرمانده پایگاه شووی پس از اهانت و بی حرستی به افسران و صاحب خانه هرچهار نفر را دستگیر و به شهر بانه انتقال داد . افسران یادگان بانه و ژاندارمری این شهر به محض اطلاع از این جریان بمنظور پشتیبانی از فرمانده هانشان و انتقامجویی از پاسداران با تفنگ ۱۰۶ میلی متری و سایر سلاحهایشان مارم روستای شووی شدند . اما فرمانده سیاه پاسداران بانه ، فرماندار بانه و امام جمعه مزدور بانه جلوی آنان را گرفتند و تمسک کردند در این زمینه تحقیق بعمل آورند . سه روز بعد از این جریان یعنی روز سیام مرداد هبشتی از تهران و سنجع به شهر بانه رفت و به آزار و شکنجه ابراهیم پرداخت . گویا پاسداران مزدور نامبرده را وادار کرده اند که اتهام مشروب خواری را به افسران مزدور نسبت دهد . در این میان یکی از آخوندهای مزدور دستور کشتن ابراهیم را صادر میکند تا مسئله خاتمه پیدا کند . نامبرده در روز ۳۱ مرداد فرار کرده و خود را به پیشمرگان نیروی آریابا معرفی کرده است .

تضادهای درونی رژیم

خمینی جلاد در سخنرانی بمناسبت سالروز هفتاد و دو دولت در خطاب به جناحهای مختلف حکومتی چنین می گوید : " دستپاچان را يك قدری نگه داريد ، قلم هایشان را يك قدری نگه دارید ، توجه نکنید به این که هر چیزی نباید نوشته شود ، هر چیزی نباید منتشر بشود و من شما عرض میکنم که من ممکن است يك روزی اگر چنانچه خدای نخواستہ تعقیب میکنند آقایان ممکن است من يك وضع دیگری پیش بیاید برابم " رفسنجانی خاش در جلسه شورای اسلامی روز پنجشنبه ۱۳ شهریور در این رابطه میگوید : " اگر من نصایح دلنوازانه امام عزیز توجه نشود و هشدارها

تعدادی از متاخرین مآختمان تخلیه شده آکام: ما را از مشکل بی خانمانی نجات دهید



نوشته ۱۰ شهریور ۱۳۶۵
نیسان

ساختمان آکام متعلق به گروه صنعتی بهر که در سال ۵۸ طی حکمی از طرف دفتر خانه ساری به ۴۳ خانوار متقاضی مسکن واگذار شده بود . از عدهای این متقاضیان برای پیروان خمینی به انبواح حیلها برای پیروان کردن ساکنین این محل متوسل شده بود . پیروان بعد از دو هفته مذاکره و دست ساکنین این ساختمان در برابر تخلیه ، پیروز آنان را مجبور به تخلیه منازل خود کردند . در جریان فرگیری پیروان رژیم با مردم این ساختمان ، چند نفر از مردم دستگیر و زندانی میشوند .

جدی تلقی نگردد ، اخطار امام عملی خواهد شد . وزیر خاش ارشاد در جمع خبرنگاران در مشهد گفته است : " گمانیکه از محدودیت آزادی در مطبوعات سخن میگویند بدون تردید ضد انقلاب بوده و عزم تخریب بنیاد رژیم اسلامی را دارند که پشت با آنان برخورد خواهد شد .

به گزارش رسانه های خبری ، معاون وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در روز ۶۵/۶/۵ با رئیس جمهور عراق ملاقات نمود و پیام شفاهی گورباچف رهبر شوروی را به رئیس جمهور عراق تسلیم کرد . در این پیام گفته شده است که دولت شوروی از تلاشهای دولت عراق برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق جانبداری میکند . همچنین یکی دیگر از معاونین وزارت خارجه شوروی با وزیر خارجه سوریه گفتگو نموده و خواستار گردید که سوریه برای صلح در جنگ ایران و عراق به ایران فشار وارد کند .

باصر عرفات طی مصاحبه ای در زیمباوه گفت که کمفرانس سران کشورهای عضو جنبش عدم تمسک مسئول فراهم کردن زمینه های مناسب برای خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق میباشد . لازم به تذکر است که قبلا هم شیخ عبدالمجید الساقه رئیس مجلس فلسطین طی مصاحبه ای ضمن اعلام حمایت از دعوت عراق به صلح از سران رژیم خمینی خواست که به این دعوت پاسخ مثبت دهند .

بنا به گزارش خبرگزاریها روز ۲۳ اوت ۸۶ در مسکو هزاران نفر در تظاهراتی که به حمایت از تصمیم دولت اتحاد شوروی مبنی بر تمدید توقف آزمایشات اتمی ، برپا شده بود شرکت کردند . تظاهر کنندگان از امریکا خواستند که در این توقف دوره آزمایشات اتمی به شوروی بپیوندد . لازم به تذکر است که اقدام اخیر دولت موسیالستی شوروی مورد استقبال وسیع نیروهای ترقیخواه و صلح دوست جهان گردیده

در تاریخ ۸۶/۹/۱۱ سازمانهای سیاسی شیلیایی مقیم شهر یوتیرگو شوش بمناسبت اعلام همبستگی با مبارزات مردم شیلی بر علیه دیکتاتور این کشور پیوسته و امیرالیم امریکا اعلام راهبیمایی نموده و از سازمانها و گروههای مترقی سایر کشورها در این رابطه دعوت بعمل آورده بودند . سراداران سازمان در این شهر با شرکت فعال خود در این راهبیمایی همبستگی خود را با مبارزات قهرمانانه مردم شیلی اعلام نموده و در این رابطه مسئولین برگزاری راهبیمایی در خاتمه از شرکت رفقای سازمان در این مراسم تجلیل بعمل آوردند .

بنا به گزارش خبرگزاریها در جریان درگیری که در اوایل شهریور ماه میان پلیس و ساکنان شهرک سایهوست نشین " سووتو " در حومه زوهانسورگ روی داد دست کم ۸ تن کشته شدند .

خبرالله کریمی از فعالین سازمان راه کارگر در اصفهان که در دیماه سال ۶۴ به اسارت دشمن درآمده بود پس از چند ماه زیر شکنجه های وحشانه دژخیمان رژیم به سلامت رسیده است . (بغل از نشریه راه کارگر شماره ۴۴)

جاویدان باد خاطره شهدای ۱۷ شهریور (جمعه خونین) و قتل عام روستای قارنا در کردستان



پیشمرگان فدایی - پیرو برنامه (هویت)

پایگاه برده‌ریش را مورد حمله خود قرار دادند

هم میهنان مبارز
خلق قهرمان کرد

در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۲۸ ، یکدسته از پیشمرگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) بعد از شناسایی دقیق پایگاه مزدوران بسیجی واقع در روستای " برده ریش " معروف به پایگاه " علی ولی الله " در منطقه بانه ، در ساعت ۱۰ شب با استفاده از مہتابی بودن آسمان ، پایگاه را با شلیک اولین موشک آر - پی - جی - ۷ مورد تعرض قهرمانانه خود قرار دادند .

بدینحال آن پیشمرگان دلیر فدایی بمدت ۲۰ دقیقه پایگاه مزبور را زیر آتش سلاحهای خود گرفتند دشمن زبون که یکلی غافلگیر شده بود تا منشا نتوانست از خود هیچ عکس العملی نشان دهد . اما بعد از آن مذبحخانه محل استقرار پیشمرگان و اطراف پایگاه را با خمپاره و آر - پی جی بمباران کردیم .

در این عملیات تلفات و خساراتی به پایگاه وارد آمد که از میزان دقیق آن اطلاعی در دست نیست . در پایان عملیات پیشمرگان قهرمان فدایی همگی به سلامت منطقه عملیات را ترک گفتند . لازم به یادآوری است که پایگاه برده ریش ، یکی از پایگاههای تازه تاسیس رژیم در منطقه بانسه میباشد که رژیم برای کنترل آمد و رفت پیشمرگان آنرا ایجاد کرده است .

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد در راه آزادی و خود مختاری

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنوشتی رژیم خمینی

سرنوشتی رژیم ضد انقلابی خمینی بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)

کمیته گردستان ۳۰ تیر ۱۳۶۵

مسئول این جنایت
کیست ؟

توضیح : این گزارش جریان مکتول رسیدن یک دختر - سی‌ساله .

سال ۶۲ در شهر خرم آباد لرستان در محله اند آبادی (گورش قدیم) یک خانواده متوسط شهری که سرپرست آن فردی پاسدار که نصرت الله نام داشت زندگی می‌کردند . زن خانه نیز آینه نامش بود . این زن و شوهر دو دختر و یک پسر داشتند . آینه خانم یک خواهر داشت که در یکی از روستاهای اطراف شهر خرم آباد چندین سال پیش ازدواج کرده بود و شوهر خواهرش بیشتر در شهر کار می‌کرد . نصرت الله پاسدار بود و هر روز در یادگان مسجر می‌برد و فقط بعضی روزها به خانه سر می‌زد . ایام تابستان بود و زن نصرت الله که آینه نام داشت ، میخواست برای دیدار از خانواده‌اش به روستا برود .

نصرت الله پاسدار برای اینکه خانه‌اش خالی نباشد و حداقل کسی باشد که در خانه باشد ، به شوهر خواهر زنت گفت که شما در شهر زبانه رفت و آمد دارید و در شهر بسر می‌برید و چون من بیکار نیستم که شبها به خانه برگردم و زخم نیز می‌خواهد برای دیدار خانواده‌اش به روستا برود و خانه و بچه‌ها هم بی‌سرپرست می‌مانند شما می‌توانید شبها به خانه ما بیایید و پیش بچه‌های من باشید .

فرد مزبور قبول کرد و از این پس شبها به خانه نصرت الله پاسدار می‌رفت . حدود ۷ ماه از ایمن جریان گذشت و خلاصه پدر و مادر دختر که همانا نصرت الله و آینه نام داشت متوجه شدند که دخترشان افسانه حامله است . در ضمن افسانه ۱۸ ساله و در سال سوم راهنمایی درس می‌خواند . دختر جوان زیر فشار خانواده‌اش اعتراض کرد که شوهر خاله اش با وی چنین عملی انجام داده است . همچنین فرد مزبور ۹ سال بود که زن گرفته بود . فرد مزبور قبول کرد که افسانه را به همسری خود قبول نماید . پدر افسانه قبول کرد که دخترش را به شوهر خواهر زنت بدهد . افسانه بطور قانونی با این مرد ازدواج کرد . حدود ۲ ماه از این جریان گذشت . نصرت الله چندین برادر داشت و همگی آنها پاسدار بودند . برادران نصرت الله خیلی به وی طمعه و زخم زسان می‌زدند و او را تحریک می‌کردند که باید نصرت الله موافقت کند تا هر دوی آنها (منظور افسانه و شوهرش) را در یک شب بکشند . تمام سرا در آن نصرت الله همگی مسلح به سلاح کلانکف بودند . فشارهای روحی روز بروز به نصرت الله بیشتر میشد تا اینکه نصرت موافقت کرد که هر دوی آنها را بکشند . همگی برادران از موافقت پدر افسانه بسیار خوشحال شده و بلافاصله طی یک برنامه ریزی مسلح شب همگی که چهار نفر بودند مسلح بسوی خانه شوهر افسانه در روستا حرکت می‌کنند . برادران که همگی پاسدار می‌باشند با یک ماشین به صحرا رفته و در شب خانه را به صدا در می‌آورند . هسر دیگر سرد

اعلام کرد که این نیرو متعلق به ماست و ما باید مسائل پیش آمده را حل کنیم . کلانتری در آخر گفته بود که نصرت الله بهیچ وجه حق دست زدن به شوهر افسانه را ندارد .

بعد از مدتی سیاه مسئله را تبرئه کرد . حدود ۶ ماه از این جریان نگذشته بود که یک روز ظهر نصرت الله با سلاح متعلق به سیاه پاسداران بطرف خانه برادران خود که نزدیک وی بودند شلیک کرد و همزمان با شلیک‌های پی در پی با صدای بلند داد می‌زد که شما قاتلان دخترم هستید . شما بوبیدید که دخترم را کشتید . در جریان این تیراندازی سه کسی آسیب نرسید . بعد از این جریان پدر افسانه به بیماری روانی مبتلا شد . نصرت الله که دیگر طالب ماندن در سیاه را نداشت ، از کار خودش استعفا داد و از سیاه بیرون آمد . برادران نصرت الله نیز بعد از مدت کوتاهی همگی از سیاه استعفا داده و بیرون آمدند . بعد از بیرون آمدن از سیاه دیگر سلاح در دسترس هیچکدام از برادران نبود نصرت الله چندین بار دیگر با چوب و سنگ به برادران خود حمله کرده و آنها را مسئول قتل دخترش می‌نامید . بعد از این جریان همگی آنها به زندگی خودشان ادامه دادند و تنها چیزی که نصرت خانواده نصرت الله شده بود ، درد و حسرت و بجزاگی بود .

خانه در را باز می‌کنند و همگی افراد وارد خانه می‌شوند و سرانجام تمام اتاقها را می‌گردشند . با لاجزه افسانه را پیدا می‌کنند . مرد خانه همان روز به شهر رفته تا کارهای خود را برپا کند . خلاصه افسانه بلافاصله متوجه میشود که عموه‌ها همراه با پدر مسج برای کشتن وی آمده‌اند . افسانه خودش را در پشت زین دیگر قرار داده و از پدرش درخواست می‌کند که از کشتن وی صرف نظر نمایند . اما دیگر کار از این گذشته بود . یکی از برادران نصرت الله که امید نام داشت ، افسانه را کتک کتک و اسلحه را بطرف او نشانه می‌رود . حال همگی برادران تماشا می‌نمایند . امید شلیک کرده و ۵ تیر روی شکم افسانه خالی می‌نماید و بعد با لای سر افسانه رفته و یک تیر نیز به سر او می‌زند و او را تمام می‌نماید . لازم به تذکر است که هنوز افسانه حامله بود . بلافاصله برادران همگی از روستا دور میشوند . فردای آرزو مردی که همسرش کشته شده است آگاه شده و بلافاصله به کلانتری رفته و شکایت می‌نماید . کلانتری وارد کار شد و از پدر دختر خواست که به دادگاه بیاید . پدر دختر سه کلانتری رفته و مسئولیت قتل دخترش را می‌پذیرد . نصرت الله در کلانتری گفته بود که دختر مال من بوده و مسئولیتش نیز منماید . او آبروی مرا در میان مردم برد و من نیز او را کتختم . این در حالی بود که او دختر خودش را کشته بود خلاصه سیاه پاسداران در این کار دخالت کردند و



پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری

یژی از ...

۱۲۹۹ - شهادت شیخ محمد خیابانی
 ۱۳۶۰ - سیلاکت رساندن قدوسی جنایتکار ، دادستان کل رژیم خمینی
 ۱۳۶۰ - مدار آویخته شدن مجاهد قهرمان حبیب الله اسلامی عقیل آبادی در حیاط زندان اوین در مقابله جمعی از زندانیان انقلابی
 ۱۳۶۳ - تصویب عضویت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) در شورای ملی مقاومت
 ۱۳۶۰ - شهادت مجاهد قهرمان حجت السلام آقاسوری به اتفاق ۱۰۰ مبارز و مجاهد دیگر
 ۱۳۳۳ - انقضاء قرارداد خاشانه نفت با کنسرسیوم بین المللی نفت ، توسط نوکر استعمار علی امینی خارجی ؛
 ۱۹۴۵ - قیام مردم سایگون
 ۱۹۶۶ - تاسیس سازمان خلق الفریقای جنوبی (سواپو) و روز همبستگی با خلق نامیبیا
 ۱۹۳۹ - شروع جنگ جهانی اول از سوی فاشیسم هیتلری
 ۱۹۲۵ - اعلام جمهوری دمکراتیک مردم ویتنام در شمال این کشور
 ۱۹۲۵ - تسلیم ژاپن و پایان جنگ خانمانسوز دوم
 ۱۹۶۹ - درگذشت هوشی مین رهبر فقید انقلاب ویتنام
 ۱۹۷۰ - پیروزی سالوادور آلنده در انتخابات شیلی
 ۱۹۷۶ - درگذشت مائو سه تنگ رهبر کمپرسر انقلاب چین
 ۱۹۴۸ - تاسیس جمهوری دمکراتیک خلق کرد
 ۱۹۲۳ - کودتای امپریالیستی علیه دولت ملی آلنده

بیانیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)

در تاریخ ۲ اوت ۱۹۸۶ ، رئیس جمهور عراق ، آقای صدام حسین ، طی یک نامه سرکشاده ، شرایطی را برای صلح در جنگ ایران و عراق اعلام و متعاقب آن مسئول شورای ملی مقاومت ، آقای مسعود رجوی طی یک بیانیه بر نقاط مشترک مواد پنج گانه اعلام شده توسط رئیس جمهور عراق و طرح صلح شورای ملی مقاومت تأکید نمود . رژیم خمینی برای پاسخ مثبت به خواست صلح ، بنا هم بر شعار ضد میهنی و ضد مردمی " جنگ ، جنگ ، کشتار " با فشاری نموده و نشان داد که نه فقط به منافع و مصالح خلقهای ایران و سراسر منطقه خاورمیانه پای بند نیست ، بلکه با گرم نگه داشتن تصور جنگ ، خانمانسوز و ادامه سیاست کشتار ، بزرگترین جنایت را در قبال مردم ایران مرتکب می شود .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) ، بعنوان یکی از سازمانهای عضو شورای ملی مقاومت ضمن حمایت از بیانیه مسئول این شورا ، آقای مسعود رجوی در پاسخ به نامه سرکشاده ۲ اوت ۸۶ ، رئیس جمهور عراق ، تفاهم خود را با مواد ارائه شده توسط آقای صدام حسین و اعلام و از مردم ایران می خواهد که با شعار صلح و آزادی برای نابودی جنگ و سرنگونی رژیم خمینی بعنوان عامل اصلی ادامه جنگ و کشتار ، با اتحاد و یکپارچگی به مبارزه برخیزند .

نابود باد جنگ ، مرگ بر رژیم خمینی ، زنده باد صلح و آزادی
 سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)

۱۹ مرداد ۶۵

۱۰ اوت ۸۶

در زندانهای ...

بقیه از صفحه ۹

۹- جمشید ، بارجو ، شکنجه گر رژیم در سال ۶۰-۶۱
 ۱۰- سلمان ، بازر و شکنجهگر زندان بوکان در سال ۶۲ تا حال
 ۱۱- محمد ، بارجو و شکنجهگر زندان بوکان از سال ۶۲ تا حال ، عامل اعدام پیشمرگه حزب دمکرات نام " رحمان بولدورز "
 اساسی چند نفر از شکنجه گران زندان و داسرای سقر
 ۱- دامیار جلاو معینان ، دامیار سالهای ۵۹ تا ۶۳ شکنجه گر و عامل موثر اعدام زندانیان سقر و بوکان و سنندج
 ۲- حسن بطول ، مسئول اطلاعات سقر ، بارجو و شکنجهگر و عامل اعدام
 ۳- جمال ، بازر و شکنجهگر و عامل اعدام
 ۴- رجایی ، زندانیان بندهای او و او زندان سقر و از عوامل امنیت زندانیان
 اساسی تعدادی از شکنجهگران زندان سنندج
 ۱- دامیار معینان که قبلا توضیح داده شد .
 ۲- دامیار بهمنی ، یکی از همدمان معینان ، شکنجهگر ، دامیار ، عامل اعدام
 ۳- جودی ، مسئول زندان دادگاه انقلاب ، شکنجه کسر
 ۴- صادقی ، مسئول اطلاعات سنندج
 اساسی تعدادی از شکنجهگران رژیم در قزل حصار

۱- حاج داوود رحمانی ، شکنجهگر اصلی و درجه یک و مسئول زندان قزل حصار
 ۲- باقری ، زندانیان واحد یک ، شکنجهگر درجه یک
 ۳- ناصری ، زندانیان واحد یک ، شکنجهگر ، مسئول ملاقات زندان که در همین رابطه باعث امنیت و آزادی زندانیان می شد .
 ۴- محمد مشهور به " محمد خاموشی " مسئول واحد یک ، عامل شکنجه
 ۵- عبدالله ، مسئول واحد ۳ ، شکنجهگر درجه یک
 ۶- جمشید ، زندانیان واحد ۳ ، شکنجهگر
 اساسی تعدادی از اعدام شدگان بوکان از سال ۶۲ تا (آنها را که می شناسم و میاد دارم)
 ۱- سعد منصوری ، پیشمرگه گومله ، ساکن بوکان تاریخ اعدام ۶۱/۱۲/۲۰
 ۲- عادل مقصودی ، در ارتباط با حزب دمکرات ، قبلا پاسدار بوده ، ساکن شائین دژ ، تاریخ اعدام ۶۱/۱۲/۲۰
 ۳- ابوبکر حسینی ، ساکن بوکان در سن ۱۶ سالگی به علت همکاری با نیروهای انقلابی ، در ۶۲/۱/۱۲
 ۴- عثمان شکرینیا ، بسیجی ، ارتباط و تحویل اسلحه به حزب دمکرات ، ساکن بوکان در ۶۲/۱/۱۲
 ۵- عبدالخالق کریم زاده ، پیشمرگه حزب دمکرات ، ساکن روستای تیت از توابع بوکان در ۶۲/۱/۱۲
 ۶- رحیم سگری ، پیشمرگه حزب دمکرات - ساکن بوکان در تاریخ ۶۲/۱/۱۹

۷- محمد امین شفاقی ، عضو تشکیلات مخفی حزب دمکرات در شهر بوکان
 ۸- ارسلان ایلخانی زاده ، از حزب دمکرات در بوکان
 ۹- ابراهیم فتح الهی ، پیشمرگه سازمان خدمات
 ۱۰- احمد - مشهور به احمد آرپی جی پیشمرگه حزب دمکرات
 ۱۱- خالد عباسی ، از حزب دمکرات
 ۱۲- صلاح الدین سامی بیگی در همکاری با حزب دمکرات
 ۱۳- محمد صحرا نورد
 ۱۴ و ۱۵- بدر و پسر ، محمد رسول و خالد بابیبری
 ۱۷- منصور عظمی ، ارتباط با گومله ساکن مهاباد
 ۱۸- خدر مطلب زاده ، پیشمرگه حزب دمکرات
 ۱۹- محسن شیخ الاسلامی ، از حزب دمکرات
 ۲۰- رحمان مشهور به رحمان بولدورز پیشمرگه حزب دمکرات
 ۲۰- عبدالله حداد ، از چریکهای فدایی ساکن بسدر عباس در سنندج اعدام شد .
 این اساسی تعداد بسیار ناچیز است از انبوه کسانی که طی این مدت که می شاهد بودم اعدام شدند . یاد همه آنها گرامی باد و درود بی پایان بر جانسازان آنان و کسانی که در این زندانهای مخوف مقاومت می کنند . (پایان)

مطبوعات خارجی

ما هم ائتلاف نایبیم

منبع: روزنامه گرانما چاپ کوبا
تاریخ انتشار: ۲۰ ژوئیه ۸۶

از جندی پیش تمام رسانه‌های خبری جهان دارای اخبار مهمی پیرامون وضعیت شیلی برای تمام دنیا می‌باشند. در این کشور وسیع آمریکای جنوبی مردم هر روز بیش از پیش بطور متحد در حال اعتراض تظاهرات و... بر علیه دیکتاتوری "آگوستو-پینوشه" هستند. گویاترین اعتراض مردمی، مبتنی بر خواست پایان یافتن دیکتاتوری و ایجاد فضایی دمکراتیک با اعتصاب سراسری روزهای ۲ و ۳ ژوئیه که بوسیله "مجمع انسانی" ترخوان داده شده بود، بوقوع پیوست. جواب رژیم، افزایش حضور نظامی پلیسی در خیابانها و سرکوب اعتصاب بود، چیزی که باعث کشته شدن ۶ نفر، زخمی شدن ۵۰ نفر، بازداشت ۶۰۰ نفر گشت. کمیسیون حقوق بشر شیلی افشاء نمود که، در روزهای اعتصاب سربازان و دیگر عوامل سرکوبگر با صورتهایی رنگ شده در حمایت نفربرهای زرهی بر روی شهروندان در محله‌های کارگری شهر آتش گشودند. در مدت اعتصاب همچنین دستگیریهایی جمعی و تفتیش و بازرسی ساکنین محله‌های کارگری افزایش یافت. روشی که نیروهای سرکوبگر بطور سیستماتیک و مستمر نگار می‌گیرند. بطور مثال در روز ۶ ژوئیه گذشته نیروهای مسلح، محله "کوآترو آلموس" در سانتیاگو را محاصره نمودند و دستور خروج تمام مردان بین ۱۸ تا ۶۰ سال را از خانه‌ها دادند و بعد تمام آنها را در زمین فوتبال متمرکز نمودند. بر اساس ارقام داده شده از طرف مطبوعات، این تفتیش و بازرسی

جمعی یازدهمین بار از این نوع عملیات در طول دو ماه اخیر می‌باشد و اساسا هدف آن سرکوب هر گونه اعتراض مردمی است. بعد از اعتصاب میکاتور دستور دستگیری و بازداشت ۱۸ تن از رهبران "مجمع انسانی" را صادر نمود. رئیس این مجمع "خوان بوندا-گونزالس" که در حال حاضر در جایی در شهر سانتیاگو، برای مقابله با دستور بازداشتش مخفی شده است، اتهامات رژیم را رد نمود و اظهار داشت: "بوجود آورنده خشونت در حال حاضر فقط رژیم است." مثال کوبا و دردآور اظهارات "گونزالس" کشته شدن جوان ۱۹ ساله‌ای بنام "رودریگو ریخاس دنگری" است که در روز ۶ ژوئیه گذشته در اثر سوختگی شدید که بوسیله گشتیهای نظامی ایجاد شده بود، درگذشت. این عمل در خیابان "زئرال ولزکز" در روزهای اعتراض بوقوع پیوست. در آن هنگام "روخاس-دنگری" خبرنگار نشریه مخالف رژیم "آیسی" همراه یک دانشجوی مهندسی "گارس کستینا آرنسیمیا" که در حال حاضر با وضعیتی بسیار وخیم در بیمارستان بستری است مشغول عکس برداشتن از سگ‌های آتش گرفته شده بود، که بوسیله گشتیهای نظامی تعقیب و دستگیر میشوند، در آغاز نظامیان شروع به کتک زدن آنها می‌کنند و بعد روی آنها بوسیله اسلحه‌های می‌زنند و سر می‌زنند و سرانجام آنها را آتش می‌زنند و آنها را مبدل به دو مشکل بزرگ آتش می‌نمایند و در آخر نیز آنها را در یک محله روستایی نزدیک فرودگاه بین‌المللی سانتیاگو می‌اندازند. "ورنيسکا-دنگری" مادر "رودریگو"

از تمهید در ایالات متحده به شیلی بازگشت و نیرو-های انتظامی را متهم به قتل برزندنش و او خواستار تحقیقات جامعی در این مورد شد.
جنازه این جوان در بین سرکوب شدید پلیسی از یکطرف و خشم مردم از طرف دیگر در روز ۹ ژوئیه تشییع شد. نیروهای سرکوبگر بسوی شرکت کنندگان در تشییع جنازه که در دفتر حقوق بشر گرد آمده بودند گاز اشک‌آور پرتاب نمودند و بعد ماتیسی را که حامل تابوت این جوان بود و مزین به دسته گل‌های تمام نیروهای چپ از جمله "جبهه میهنی مائوئول رودریگر" بود به گروگان گرفتند. تابوت ۲ ساعت بعد در میان هزاران نفر که در گورستان اجتماع کرده بودند به آنجا رسید. رئیس کمیسیون حقوق بشر "ساکسو-پاجکو" مرگ این جوان را یک جنایت جمیع توصیف نمود و تاکید بر بهر حسی و خونین بودن این فاجعه کرد. رهبر "جنبش دمکراتیک و مردمی" خوزه-مانفر انتر اظهار داشت: "پیش از هر موقع در حال حاضر روشن شده است که ریشه خشونت در کجاست." آندره-پالا رئیس "جوانان دمکرات مسیحی" اعلام نمود که "رودریگو" ده سال در تبعید بسر می‌برد و حدود ۲ ماه پیش به شیلی بازگشت و اضافه نمود: "سه اینجا آمدی زیرا میخواستی ثابت کنی که شیلیایی هستی، و با فدای جانت به عالی‌ترین شکل آسرا ثابت نمودی."
گرستین-بریوس رهبر کمونیست "اتحادیه دانشجویان سانتیاگو" از شرکت کنندگان در تشییع جنازه سوال نمود: "چقدر خون لازم است که سه این سه خونریزی پایان دهد؟" و اضافه کرد: "ما خواستار عدالت نیستیم، بلکه آنرا بوجود خواهیم آورد."

دانیل اورتگا به ریگان پیشنهاد مذاکره پیرامون صلح میکند

منبع: ال پائیس
تاریخ انتشار: ۳ اوت ۸۶

رئیس جمهور نیکاراگوئه، دانیل اورتگا پیرروز در شیکاگو برای مذاکره پیرامون صلح با ایالات متحده، مذاکره با واتیکان و همچنین دعوت از رئیس جمهوری ایالات متحده رونالد ریگان برای سفر به نیکاراگوئه منظور صحبت با مردم ابراز آمادگی نمود. اورتگا همچنین از ایالات متحده خواست تا حکم دیوان بین‌المللی لاهه، مبنی بر محکومیت سیاست این کشور در قبال آمریکای مرکزی را قبول نماید. و اضافه نمود، که این مسئله موجب "لگندار" شدن حیثیت ایالات متحده نیست، بلکه: "بر عکس یک پیروزی است"، زیرا بدین طریق، "دولت ایالات متحده در تمام دنیا محترم شمرده خواهد شد"

دانیل اورتگا در سخنانی که در مرکز "دفاع از حقوق بشر" در شیکاگو ابراد کرد، پیشنهاد طرح صلح با هشت ماهه را نمود. وی خاطر نشان ساخت: "نیکاراگوئه در حال حاضر زیر حملات یک قدرت خارجی بنام آمریکا زندگی میکند"، و از

حمایت ایالات متحده نسبت به شورشیان ضد ساندینیست انتقاد کرد. اورتگا همچنین خاطر نشان ساخت، طرح صلحی که پیشنهاد می‌نماید و در چند روز آینده برای دولت ایالات متحده فرستاده میشود بر اساس یک پیمان صلح و دوستی بین آمریکا و نیکاراگوئه و همچنین مبتنی بر دعوت از رئیس جمهور آمریکا برای بازدید از نیکاراگوئه می‌باشد. دانیل اورتگا در یکی از مراحل سفرش به آمریکا پیرروز با کشیش جسی-جکسون کاندید سباهیوست ریاست جمهوری از حزب دمکرات ملاقات داشت. اورتگا از دوستانه پیش در آمریکا بسر میبرد. هدف وی از این سفر جلب حمایت شورای امنیت سازمان ملل متحد برای محکوم نمودن کتک ایالات متحده به "کنترا" می‌باشد. وی در سخنانش، موافقت مجلس نمایندگان آمریکا را در کتک سه "کنترا" به معنی اعلام جنگ ارزیابی نمود.

در تکمیل روتوزیع
آثار سازمان
بکوشید

برخورد...
مقیه از صفحه ۱
بدتر از بدحجابی باشد. با لاتر از ظهور بعضی از قسمتهای بدن باشد. چنین چیزی کاملا غلطی است. لباسهای تنگ نباشند که اندامشان را کاملا مشخص کند، به این میگویند بد حجابی. وی سپس دستور العمل حکومت ارتجاعی اش پیرامون پوشش را چنین نحو بیان میکند "خانصبا باید بگونه‌ای خودشان را بپوشانند که غیر از نسبتا تا صغ و صورتها تا گردی خوب این باید یک دامن خیلی گشاد و بلند داشته باشند که تا پشت پاهایشان را بپوشاند یا بایسد فلوار داشته باشند. لباسهایی که می‌پوشند یا باید پالتو یا مانتو گشادی باشد که اندامشان را نمایش ندهد. مد لباسها باید معمولی باشد و رنگ ساده نباشد، برای مردها تحریک کننده نباشد"
توجه به نحوه برخورد این آخوند جنایتکار عمق ذلالت این جنایتکاران را نشان میدهد. گرچه این آخوند مرتجع بسر مثل تمامی مرتجعین دیگر چون به خلوت می‌رود آن‌کار دیگر می‌کند. اساسا برای تحکیم حکومت ارتجاعی خودشان اینگونه زنان شریف میهن ما را مورد اهانت قرار می‌دهند و اینگونه حیوان مفتی خود را منعایش می‌گذارند.



گزارشی از روحیات نوره‌ها

[شهاد ۳]

توضیح: به ابتکار یکی از رفقای هوادار در خارج از کشور گزارشی از وضع و روحیات نوره‌ها توسط ایرانیانی که به تازگی از حبسه خنجر گرفته‌اند تهیه شده است. این گزارش توسط خود این سوطنان که وابسته به گرایش‌های مختلف اشتراک هستند، تهیه و برای ما فرستاده شده است که به تدریج در شماره‌های مختلف نبرد خلق اقدام به انتشار آن کنیم. لازم به تذکر است که تنیس‌باز مرادیه که احتیاج به توضیح اضافی با انشای وجود داشته باشد، بدون اینکستمن گزارش تهیه کننده ما شفراتی بر گزارش می‌دهد. این گزارشات بسر اساسی طرح ریز که توسط رفیق هوادار سازمان تقسیم شده نوشته شده است.

۱. برخورد مردم نسبت به «ناله» جنگ با حکومت ج. نیروهای انقلابی.
۲. وضعیت اقتصادی شامل افسان و طبقات مردم ساده حال و سرفه.
۳. وضعیت فرهنگی - شامل مشروبات - رانینگ - تلویزیون - نشریات، روزنامه و کتب.
۴. جنبه‌های وضع اجتماعی - شامل سواد فرهنگی و اداری، افتخار، جرات‌های ما شفر از این همبندان مبارز. ما از تمامی هم همبندان مبارز و مقاوم می‌خواهیم که با ارائه گزارش، خبر و ... از اوضاع ایران و جهان با صفا همکاری و ما را در سرنگونی رژیم خمینی مساعدت نمایند.

در مورد جنگ و اثراتی که در بین مردم تهرانی گذاشته است باید گفت که مردم جنگ را عامل ثبات حکومت می‌دانند. چرا که برای آنها ثابت شده که پایه‌های لرزان حکومت بوسیله جنگ با عراق استوار است. مردم می‌دانند قسمت اعظم نیروهای سپاه، کعبه، و سبج به بهانه جنگ با عراق در کردستان متمرکز است تا با انقلابیون به جنگ بپردازند. در مورد شناخت مردم نسبت به حکومت باید گفته شود که مردم حکومت را حکومتی میکثاتوری پارلمانی ریاکار و ضد مردمی می‌دانند. حکومتی که هرگونه آزادی فردی، اجتماعی و سیاسی را از مردم گرفته است. حکومتی که در آن آزادی بیان و قلم به عنوان بزرگترین جرم است.

در تهران سپاه پاسداران بعنوان یکی از پر قدرترین نیروهای حکومتی می‌شمارد که سعی آن‌ها بر بردن نیروهای سیاسی و مترقی است و عوامل آن‌ها در مجال تسر و حیوان صفت تر از ساواک رژیم مفسور شاه می‌دانند. زیرا که آنها با جناباتی که هر روز در ایران انجام می‌دهند مانند دیوی وحشتناک در برابر مردم جلوه کرده‌اند و دیگر نیروهای رژیم از قبیل کعبه و سبج در برابر مردم خود فروختگانی بیش نیستند که بخاطر منافع مالی برای خودشان حاضرند هر کاری برای رژیم انجام دهند.

در باره وضعیت اقتصادی کشور باید گفت که بسیاری از تجار و بازرگانان که هدفشان جرب پس انداز کردن پول نیست، جمهوری اسلامی برای آنها ابده آل است زیرا که ناسامانی اقتصاد کشور برای اینگونه پول پرستان بهترین موقعیت برای اندوختن پول است ولی در برابر این نشر برفه، فشار اصلی بر نشر زحمتکش که همانا کارگران و دهقانان هستند و نشر

متوسط کشور وارد می‌آید. کم بودن میزان درآمد صافا با بودن مخارج زندگی، زیاد بودن کرایه خانه‌ها و در کنار اینها نبودن کتابخانه‌های عمومی و مکان‌های ورزشی و تفریحی، همه اینها عواملی هستند که وضع زندگی را برای این دو قشر مخصوص زحمتکشان ما را سخت کرده است و فشارهای زندگی باعث بیماری‌های عصبی شده است. بیماری‌های عصبی که منجر به ناراحتی قلبی و در نتیجه سکته را موجب میشود. این بیماری نه تنها در بین افسران سن بلکه در بین افراد جوان زیاد دیده میشود. سکته کارمندی مجبور است برای هزینه زندگی متوسل به رشوه گیری شود تا کار ارباب رجوع را انجام دهد. بلکه کسبه جزء اجناسی را که از شرکت تعاونیهای مربوطه خود میگیرند مجبور است آنها را به سرخ آزاد بفروشد تا بتواند زندگی خود را بگذراند. بلکه کارگر ساده مجبور است در روز در دو شیفت کار کند و در کنار اینها جوانهایی هستند که اکثر آنها بیپول گرفته‌اند و بخاطر شرایطی که برای دانشگاه‌ها درست کرده‌اند نمی‌توانند نه به دانشگاه بروند و نه می‌توانند کاری پیدا کنند که مخارج خود را تهیه کنند. در مورد وضعیت فرهنگی در رژیم ایران باید متذکر شد در حال حاضر بطور کلی مطبوعات رانیمو تلویزیون و رسانه‌های گروهی در اختیار رژیم است که رژیم خمینی را رژیم مردمی به مردم معرفی کند. بعنوان مثال یکی از تبلیغات تلویزیونی آنها مربوط به خدماتی که دولت در روستاها انجام داده‌اند است. آنها به خیال خودشان خدمات شایانی برای روستائیان انجام داده‌اند. اما مردم می‌دانند که اگر آنها بلد روستا را بگردانند، آنرا اندر از ای آن شهرهای ما را در جنوب و غرب کشور اثر جنگی که آنرا بلد نصب الهی می‌دانند از بین می‌برند. و اگر زمانی مطبوعات غیر از نمجسسند و ستایش آقابان ابراد کوچکی از آنها بگیرند فوراً آن روزنامه را توقیف کرده و آنرا تعطیل می‌کنند مانند روزنامه آیندگان که موجب در دسر رژیم شده بود. یکی از تبلیغات آنها در رانیمو و تلویزیون مربوط به مسئله اعتیاد است که آنها هر چند وقت اعلام می‌دارند که مقداری مواد مخدر توسط سپاه و با زاندارمری کشف شد و با اعلام می‌دارند مقدار زیادی مواد مخدر را از بین بردند. اما برای مردم مشخص شده که اگر آنها بلد کیلو مواد مخدر را کشف می‌کنند و در ازای آن دهها کیلو مواد مخدر توسط قاچاقچیان وارد کشور میشود و آنوقت آقابان به آن بلد کیلو کشف شده می‌بالند و این موضوع چیزی را جز ناامنی در مرزها و از همه بیشتر نفاق و اعتماد را در جامعه ما نشان نمی‌دهد در زاهدان مواد مخدر به مراتب بیشتر از سگسار و با قیمت نازل بافت می‌شود. در تهران خیلی‌سی راحت می‌توان این ماده کشنده را پیدا کرد. بعنوان مثال میدان کمرک را ذکر می‌کنم که سوداگران سرک بدون ترس از کعبه و بلبل مشغول معامله هستند. این فساد نه تنها در اعتیاد بلکه در مورد های دیگر با آن روبرو هستیم. در بخش های اداری ما شاهد

نبرد خلق ...

بقیه از صفحه ۴

زحمتکشان برای قیام مسلحانه توده‌ای، در مبارزه برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع به آرمانهای خلق خود و به منافع محرومان و ستمدیدگان میهنمان وفادار و با شعار یا مرگ یا پیروزی سال سوم انتشار نبرد خلق را آغاز می‌کنیم. ما در سال سوم انتشار نبرد خلق یاد تمامی شهدای بخون خفته خلق را گرامی می‌داریم و به زندانیان سیاسی که قهرمانانه در مقابل دژخیمان رژیم خمینی مقاومت می‌کنند درود می‌فرستیم. ما به تمامی رزمندگان راه آزادی به تمامی نیروهای انقلابی مقاومت که بر محور مبارزه مسلحانه انقلابی، یعنی شکل اصلی مبارزه، به مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی ادامه میدهند درود می‌فرستیم.

نابود باد جنگ، مرگ‌بر خمینی، زنده باد صلح و آزادی

تحریریه نبرد خلق

فسادهای فرهنگی و اداری هستیم که اگر خطرشان بیشتر از اعتیاد نباشد، کمتر از آن هم نیست. بطور کلی جامعه فعلی ایران طوری است که هر کس مجبور است برای گذراندن زندگی متوسل به جرم ربا، دزدی و در بعضی مواقع هم مجبور به جنایت شود. زیرا که وضعیت اجتماعی آنها را مجبور به انجام این قبیل اعمال می‌کند. اجتماعی که فرهنگ آن - اقتصاد آن و روابط اجتماعی آن بیمار است و این بیماری حاصل حکومت جمهوری اسلامی به رهبری خمینی است. اما با وجود این بیماریها که هر کدام مانند سرطان خطرناک برای جامعه است، مردم ایران هنوز خواهان مبارزه با این سرطانها هستند و برای آنها ثابت شده زمانی این سرطانهای خطرناک از بین می‌روند که نیشه را به ریشه اصلی آن بزنند. متأسفانه بکسری جریانات انحرافی در میان نیروهای مبارز و انقلابی که هر چند وقت بکبار شاهد آن هستیم باعث دلسردی مردم از نیروهای انقلابی شده و این جریانات به عقیده مردم باعث به تاخیر افتادن انقلاب میشود و استفاده آن برای حکومت است. البته سازمانهای مخالف رژیم فعالیت خود را برای آگاه کردن مردم ادامه میدهند ولی هنوز نتوانسته‌اند اعتماد مردم را بخود جلب کنند. مردم میگویند که این گروهها هنوز حکومت را بدست نگرفته با هم دیگر درگیر شده‌اند و اکثر زمانی رژیم سرنگون شود آنها علنا بجان یکدیگر می‌افتند. زمانی هر کدام از این سازمانها بتوانند اعتماد مردم را بخود جلب کنند آنگاه هیچ نیروی نمی‌تواند جلوی انقلاب استادگی کند. مردم مسامحه آمیز برای سرنگونی رژیم هستند و این را با نظاره‌ای که در سراسر کشور بخصوص در سالهای ۶۳ و ۶۴ انجام شده، به اثبات رسانده‌اند.

نر زندانهای ...

بقیه از صفحه ۱۰

توانم خنک و سختی نیز وجود داشت که از این فرار بود: ۱- عدم زندگی کمونی، پیش گیری و مجازات این زندگی به مراتب سخت تر از بندهای واحد یک بود، ۲- در واحد یک همه افراد یک اتاق سر یک سفره، دو نفر، دو نفر روبروی هم می نشستند و در یک سینی غذا می خوردند، اما در واحد ۳ هر کسی میبایست سفره و بشقاب و قاشق خودش را داشته باشد و تنهایی بخورد، ۳- عدم ارتباط افراد با همدیگر، این مسئله نیز در واحد ۳ کنترل بیشتری داشت، نگهبانان که از توابع بودند موظف بودند که گزارش ارتباطات افراد بنسب را تحویل دهند، حتی اگر این ارتباط فقط بین دو نفر هم بود اگر چندین بار مشاهده می کردند که ارتباط چند نفر بیشتر و جلب توجه می کند آنها را زیر بازجویی می کشیدند و مارک تشکیلات و کار کمونی روی ایشان می زدند، یکی از موارد قانون بنسب ۶ واحد ۳ این بود که " افراد کم سن حق ارتباط با بزرگترها را نداشته باشند" و هر کس برای دوستی با کس دیگر یا کسانی دیگر بایستی توجیه داشته باشد ۴- عدم هر گونه شوخی و بازیهای دسته جمعی (بغیر از والیبال و فوتسال) که باعث بوجود آمدن رابطه نزدیک بین افراد شود، برای هر بازی میبایست توابع در آن باشند تا از قانون شکنی جلوگیری شود، ۵- عدم هر گونه کاری که مشغولیت ایجاد کند و زندانیان را از " فکر کردن" (یعنی فکر کردن برای همکاری با رژیم) منصرف کند که هیچکس حق نداشت کار دستی کند، جدول حل کردن متنوع بود حتی تاب دادن نخ برای طناب نیز با مشغولیت مشغولیت ایجاد کرده و از " فکر کردن" جلوگیری می کرد، قانون دیگری که بر همین مناس قرار داشت این بود که زندانیان حق ندارند با هم از گذشته تعریف کنند، مثلا کسی حرف یکسال پیش را بزند و با دوران قبل از زندان را، در ورزش کردن نیز مانند واحد یک متنوع بود مگر اینکه کسی اجازه مسئول زندان و یا دکتر را داشت.

بند دختران:

بعلت اینکه ارتباطی به آن صورت بین بند مردان و زنان نبود، آن اطلاعاتی که لازم است از ایشان ندارم فقط اینرا می دانم که بند زنان " مجاهدت و مذهبی جدا از سایر بندها بود، بند ۸ واحد ۳ زنان وضع خوبی داشت حتی از شلوغترین بندهای واحد یک هم شلوغتر بود، علنا از مواضعشان دفاع می کردند و بند را شلوغ می کردند، هر روز تعدادی از آنها را به زیر ۸ می بردند و آنها را مورد آذیت و آزار قرار میدادند، و این افتخاریست برای جامعه ما که زنان آزاده آن اینگونه در مقابل دشمنان مقاومت می کنند و از شرف خلق در بند خود دفاع می کنند.

مختصری در مورد زندان گهر دشت:

اطلاعاتی که در رابطه با زندان گهر دشت دارم محدود است به بازجویی افرادی که در آنجا بوده اند، و بطور خلاصه می رسیم: ۱- از نظر شکل ساختمان سه طبقه است و در قسمت آن که شامل سه سالن سه طبقه می باشد فقط سلولهای افراد و دو نفری

است که دارای دستبوسی مخصوص داخل سلول میباشد بنا بر این کسی که در سلول است مگر مواقع بازجو بی و مسائل مشابه در غیر اینصورت لازم نمی بیند روی را از سلول خارج کند و بطوریکه از کسانی که از آنجا برگشته بودند شنیدم حدود ۱۰۰۰ سلول انفرادی دارد و نیز دارای تعدادی بند عمومی میباشد از لحاظ فشار جسمی شبیه قزل حصار است و به مراتب برای کسانی که برای تنبیه آنجا فرستاده میشوند بیشتر است اما از لحاظ فشار روحی آنجا بهتر می باشد، کنترل چندان بر اوضاع و احوال زندانیان ندارند.

آ- گوهر دشت همانند قفس های قزل حصار برای عده ای بوده، عده ای که توسط مسئول زندان کنترل حصار برای تنبیه به آنجا فرستاده میشوند، بعضی از زندانیان را حدود ۲ سال و بیشتر هم در انفرادی نگه می داشتند و اگر زندانی تمهید به همکاری میداد بر میگرددانند قزل حصار و در غیر اینصورت همانجا باقی می ماند و تحت فشارهای روحی و جسمی قرار می گرفت، کسانی بودند که در گهر دشت به خاطر داشتن یک تیغ و یا یک کبریت و یا تیزی برای حداقل یک سال به انفرادی منتقل می شدند، شرایط آزادی زندانی در گهر دشت نیز مانند قزل حصار بود یعنی کسی که حکمش تمام می شد میبایست حاضر به مصاحبه باشد، اگر حاضر به مصاحبه میشد وی راه قزل حصار می آوردند و از وی مصاحبه بعمل می آوردند اگر جواب بود و مورد تأیید مسئولین گهر دشت می بود آزاد می شد و غیر اینصورت حکم احراز توبه می گرفت و آزاد نمی شد، از لحاظ امکانات آنجا نیز وضع بدی داشت، اما از قزل حصار بهتر بود.

" بازگشت به سنندج"

در تابستان سال ۶۳ حاکم شرع جدید استان کردستان (مظاهری) همراه با محمد محمدی گلانی که از اعضا هیئت رسیدگی به زندانیهای کشور بودند برای بازجویی مجدد تمام کسانی که پرونده شان مربوط به کردستان و آذربایجان غربی بود به قزل حصار آمدند طی چند روز تمام کردها را بازجویی کردند و سپس رفتند (در این بازجویی ها اثبت و اجبار و زدن در کار نبود) چند ماه بعد بکسری از کردها را به سنندج باز گردانند و بدینال آن راه امامی حدود ۲۰ الی ۵۰ نفر کرد را می فرستادند قزل حصار تا به سنندج باز گردانده شوند به این ترتیب ۹۵ درصد کردها به سنندج منتقل گردیدند و هر دسته که بازگردانده می شدند معلوم بود که برای آزادی می روند، آزاد گردنبا تا موقعی که من آزاد شدم به همین ترتیب پیش میرفت، البته آزاد کردن محدود به افرادی که زندان در تبعید بودند، نبود، قبل از رسیدگی به پرونده های ما، زندان تبریز و سنندج را تقریبا خالی کرده بودند آخرین جمعی که آزاد شد در تاریخ ۶۳/۱۱/۲۱ بود که ۲۰ نفر بودیم و از آن به بعد (بعد از دستور خمینی جلال مینی بر آزاد نکردن ضد انقلاب) حتی کسانی که مورد عفو نیز قرار گرفته بودند آزاد نشدند.

در دوران خالی کردن زندانیهای کردستان حتمی بشترم که با افرادی که ترور کرده بودند آزاد می شدند.

وضعیت زندان سنندج:

زندان سنندج از هر لحاظ نسبت به زندانهای مرکزی بهتر بود، در داخل زندان بسیاری از شهرها و شهرستانها همین وضع را دارند.

جریان مفتی زاده: افراد این جریان در داخل و خارج شهرهای کردستان مورد تنفر مردم می باشد در زندان نیز مورد تنفر چه زندانیان و چه مسئولین زندان بودند، حتی گاهی اوقات زندانیان دیگر این اسرار را با شدیدترین وجه می زدند، علت این امر بر میگردد به گذشته، چون جریان مفتی زاده اولین جاشبهای رژیم بودند، این جریان موضع سیاسی قابل ذکر ندارد، تمامی مسائلشان در رابطه با مسئله شیعه و سنی می باشد، در زندان سنندج از موضع خود دفاع میکردند شرایط آزاد کردنشان نیز فقط امضا یک تمهید مبنی بر " عدم تبلیغ و قیام" علیه جمهوری اسلامی بود، که عده ای از آنها حاضر به امضای آن نمی شدند.

همانگونه که بارها در این گزارش به اطلاع رساندم زندان ها در رژیم خمینی، در حالت مقاومت و ایستادگی هستند، شاید بسیاری از کسانی که زندانیان برای آنها قابل لمس نیست، از مواردی که افراد تسلیم و به خیانت کشیده میشوند، دلیلی بر اینکه زندانیان تسلیم شده اند بیارند، در حالی که در بی سابقه ترین وحشیگری علیه زندانیان سیاسی و در یکی از سیاهترین دوران تاریخ مین ما، این مقاومت دوراساز در زندانیان برای همه انقلابیون جای بسی افتخار است، مقاومت در زندانیان آنقدر عظیم است که بنظر من هیچگاه در تاریخ آمده ایران همه خاطره های مکتوب نخواهد شد، اسامی مبارک این مقاومت عظیم مواردی از تسلیم و زبونی و خیانت نیز وجود دارد که دانستن آن برای مبارزین آزادی و انقلاب بویژه در همین شرایط که ما

سرگرم این پیکار عظیم هستیم، ضروریست

این موارد برای نیروهای انقلابی و فعالین جنبش در مواجه احتمالی با مزدوران رژیم در زندانیان و در جهت تقویت مکانیسم های مقاومت ساز در آنها بسیار کمک خواهد کرد.

اسامی شکنجه گران زندان بوکان:

۱- عسگری، بازجوی سپاه، شکنجه گر و مسئول بازجوها

۲- رضا رنجبر دزایی، بازجو و شکنجه گر وحشی که بدست کومهله کشته شد.

۳- ملا محمدی، بازجو و شکنجه گر درجه یک بوکان که تمامی خانواده های زندانیان بوکان وی را میشناختند، وی هم اکنون سرپرست بنیاد شهید بوکان است

۴- چنگیز، بازجو و شکنجه گر درجه یک، چهره سرشناس شکنجه گران در میان زندانیان بوکان

۵- منصور، کارش دستگیری افراد سیاسی و شلاق زدن عرهادی، مسئول اطلاعات بوکان در سال ۶۲ شکنجه گر درجه یک، عامل اعدام عده ای از زندانیان

۶- عباس، معاون مسئول اطلاعات در شاسایی و دستگیری افراد وابسته به جریانات سیاسی نقش موثری داشت و جز شکنجه گران بود.

۷- باسر، شکنجه گر اطلاعات سپاه در سال ۶۱ - ۶۲ که مدتی سرپرست تربیت بدنی شد و نیز عامل اعدام " سواره صرولنی" و " محمد ۱۰۰" دو نفر از

بشترمکان حزب دمکرات.

در زندانهای خمینی ①

نزار، بنی از یکه رفیق

آنگه در زهر می آمد، گزارش حاسی از بنفشی
زندانبندی رژیم خمینی در تاریخهای گوناگون است که
سویشتی از رفا تشبه شده است و طی چند شماره
از نظر خوانندگان مبارز میگذرد. ما در چاپ این
گزارش از نظر نام بعضی افراد از زمانهای مختلف
گوناگون خودماری کرده و تنها حرف اول نام و تعلق
سازمانی آنها را ذکر میکنیم. این گزارش از
تابستان ۶۱ تا اواخر سال ۶۲ را در بر میگیرد.

همانطوریکه قبلا ذکر نمودم زندان قرل حصار سه
واحد است واحدهای یک و سه مخصوص افراد سیاسی
و واحد ۲ برای زندانبان عادی و اسرای جنگی میباشد
مسائلی که در واحد یک بود از نظرات گذشت اکتون
مقداری راجعه به بندهای واحد ۳ مینویسم:
واحد سه نیز کلا دارای ۸ بند بزرگ و ۲ بند کوچک است که از این ۸ بند ۲ بند بزرگ و ۲ بند
کوچک) مخصوص دختران و زنان است.
شرایط واحد ۳ در مقایسه با واحد یک آزرمان بهتر
بود، در این بندها هواخوری و دستشویی رفتن آزاد
بود. بیشتر کسانی در این واحد بودند که از نظر
رژیم تا اندازه ای بدون خطر حساب میشوندو اگر روی
یک نفر حساب میشوند وی را به واحد یک منتقل
میکنند. زندانبان واحد ۳ نیز ترکیبهای متفاوت
داشتند و هیچ بندی مخصوص یک جرم نبود بلکه همه
قاضی بودند. جو سیاسی این واحد در کل بنفع رژیم
بود. بهمین دلیل شرایط برای آنها تا اندازه ای آزاد
بود و از امکانات رفاهی نسبی برخوردار بودند.
البته مطالبی که مینویسم اوضاع حاکم بر بندهای
مردان میباشد و به آنصورت از بند دختران خسری
نداشتم (بعدها مقداری در مورد بند دختران خواهم
نوشت)
در مقابل آزادی نسبی که در این واحد وجود داشت،

بقیه در صفحه ۹

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:

۱۳۵۸. در گذشت رجل مجاهد، آیت الله طالقانی
۱۳۵۰. مستگیری اولین دسته از اعضا و مسئولین
سازمان مجاهدین خلق بوسیله مزدوران ساواک
۱۳۵۹. شهادت سرگرد عباسی عضو کمیته مرکزی
حزب دمکرات کردستان ایران و از فرماندهان
برجسته بخش نظامی حزب دمکرات
۱۳۲۰. ورود نیروهای متفقین به ایران و اشغال
بخش هایی از خاک کشور توسط متفقین
۱۳۲۰. پایان حکومت نیکشانی ۲۰ ساله رضا خان
۱۳۵۷. تظاهرات وسیع مردم تهران و سقوط دولت
آموزگار و تشکیل دولت شریف امامی
۱۳۸۶. اعدام انقلابی اتابک امین السلطان از ضد
انقلابیون دوران شروطه بدست عباس آقا از مجاهد.
بن تبریز
۱۳۵۵. شهادت مجاهد خلق دکتر محمد صفیری
لنگرودی بدست عمال رژیم شاه خاش
۱۳۶۰. انفجار خشم خلق در ساختمان نخست وزیری
و بهلاکت رسیدن رجایی، باهنر و تعدادی دیگر از
آبادی رژیم
۱۳۵۸. شهادت مبارز برجسته خلق کرد، کاک فرهاد
مصطفی سلطانی
۱۳۵۸. کشتار وحشیانه مردم روستای قارنا توسط
مزدوران رژیم شاه به رهبری آخوند ملاحی
۱۳۲۱. اعتصاب کارگران روستای سعفان و شهادت
۵ کارگر شریف این کارخانه
۱۳۲۴. تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان
۱۳۵۷. اولین تظاهرات گسترده و عظیم مردم تهران
علیه رژیم شاه در روز عید فطر
۱۳۵۲. شهادت مجاهد قهرمان مهدی رشایی
۱۳۴۷. درگذشت نویسنده مبارز، صد بهرنگی
۱۳۵۷. کشتار مردم تهران در میدان زاله (جمععه
خونین) و اعلام حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر
دیگر توسط رژیم شاه
۱۳۵۷. اعتصاب کارگران پالایشگاه تهران و آفساز
اعتصابات سراسری
۱۳۶۰. بهلاکت رسیدن آیت الله منشی، امام جمعه
جنایتکار تبریز توسط عملیات انتحاری مجاهدین
خلق

بقیه در صفحه ۶

برای دریافت نبرد خلق

و سایر انتشارات سازمان با
آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

فرانسه <

شهادت فدایی
شهر یوز ماه
برای فتح قله های
پرسادبت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برتری؛
یامرگ یاییونی.

رفقای فدایی:
یعقوب تقدیری - ایرج سپهری - علی میر شکساری
انور اعظمی - دکتر رشوند سرداری - محمود بابایی
هاشم بابایی - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن
سعادت - پروین فاطمی - طهمرت اکبری - جمیل
بخجالی - شیریار و احسن ناهید - محمد مجیدی
حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمد تقی پرومند
بهنام رهبر - محمد رضا فریدی - بهمن رهبر - سعیده
کریمان - پرویز داوری - قلامحسین بیگی - حسن
صالحی - علیرضا شاه بابایی - ناصر فتوتی - محمد
سپاسی - حمید رضا ماهیگیر - عباس کابلی - جواد
کاشی - نامره نوری - قاسم معروفی - ابوبکر آرمسان
هوشنگ احمدی - رشید بردان پناه (سنگو) - بیژن
حتی - مرتضی خدایرادی - مصطفی شمس الدینسی
قاسم سید باقری - عبدالله غفوری - عزیز محمد
رحیمی - اصغر جعفری جزایری - خسرو سارکنسی
سعید رهبری - علیرضا ابراق چی - محمد رضا شتوده
احمد رضا شفاقی - مهدی صمیمی - ابوالفضل غزل
ایاق
از سال ۵۰ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم
و ارتجاع و بوسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی
شهادت رسیده اند.

چاو دان بان خاطره همه شهیدای
بخون خفته خلقت

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه
رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، بسا
مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه نشویه واریز کرده و قبضه
رسید و یا فتوکپی آنرا به یکی از آدرس های سازمان
ارسال دارید.

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME. TALAT R.T.
2617 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

۱۷ شهریور
شهریور سرخ
بر گرده ی زمان
کلمه زیبای عشق و آزادی انسان
در توفان سرود بررک یک تاریخ
شجهای کودک بنیم
در غم اندوه از دست دادن پدر
شعله های خشم تاریخ
در غریب یک آشفشان
رود جاری انسان
در شهریور سرخ
مغاک میزند
عشق را
زندگی را
و میفتارد، گلوی مرگ را،
تاریکی را
امین